

آتش بیار معرکه

لغت مرکب آتش بیار در اصطلاح عامه کنایه از کسی است که در ماهیت دعوی و اختلاف وارد نباشد بلکه کارش صرفاً سعایت و نمایی و تشدید اختلاف بود...



لغت مرکب آتش بیار در اصطلاح عامه کنایه از کسی است که در ماهیت دعوی و اختلاف وارد نباشد بلکه کارش صرفاً سعایت و نمایی و تشدید اختلاف بوده و فطرتش چنین اقتضا کند که به قول امیر قلی امینی: «میان دو دوست یا دو خصم سخن چینی و فتنه انگیزی کند». این مثل که به ظاهر ساده می آید چون سایر امثال و حکم ریشه تاریخی دارد و شرح آن بدین قرار است: همان طوری که امروز دستگاه جاز عامل اساسی ارکستر موسیقی بشمار می آید، در قرون گذشته که موسیقی گسترش چندانی نداشت، ضرب و دف، ابزار کار اولیه عمله طرب محسوب می شد. هر جا که می رفتند آن ابزار را زیر بغل می گرفتند و بدون زحمت همراه می بردند. عاملان طرب در قدیم مرکب بودند از: کمانچه کش، نی زن، ضرب گیر، دف زن، خواننده، رقاصه و یک نفر دیگر بنام « آتش بیار یا دایره نم کن » که چون از کار مطربی سر رشته نداشته وظیفه دیگری به عهده وی محول بوده است. همه کس می داند که ضرب و دف از پوست و چوب تشکیل شده است. پوست ضرب و دف در بهار و تابستان خشک و منقبض می شود و احتیاج دارد که هر چند ساعت آنرا با "پف نم" مرطوب و تازه کنند تا صدایش در موقع زدن به علت خشکی و انقباض تغییر نکند. این وظیفه را دایره نم کن که طرف آبی در جلویش بود و همیشه ضرب و دف را نم می داد و تازه نگاه می داشت، بر عهده داشت. اما در فصول پائیز و زمستان که موسم باران و رطوبت است، پوست ضرب و دف بیش از حد معمول نم بر می داشت و حالت انبساط پیدا می کرد. در این موقع لازم می آمد که پوستها را حرارت بدهند تا رطوبت اضافی تبخیر شود و به صورت اولیه درآید. شغل دایره نم کن در این دو فصل عوض می شد و به آتش بیار موسوم می گردید. زیرا وظیفه اش این بود که به جای طرف آب که در بهار و تابستان به آن احتیاج بود، منقل آتش در مقابلش بگذارد و ضرب و دف مرطوب را با حرارت آتش خشک کند. با این توصیف به طوری که ملاحظه می شود، آتش بیار یا دایره نم کن، که اتفاقاً هر دو عبارت به صورت امثله سائر درآمده است؛ کار مثبتی در اعمال طرب و موسیقی نداشت. نه می دانست و نه می توانست ساز و ضرب و دف بزند و نه به آواز و خوانندگی آشنایی داشت. مع ذلک وجودش به قدری مؤثر بود که اگر دست از کار میکشید، دستگاه طرب میخوابید و عیش و انبساط خاطر مردم منقض می شد. افراد ساعی و سخن چین عیناً شبیه شغل و کار همین آتش بیارها و دایره نم کن ها را دارند؛ که اگر دست از سعایت و القای شبهات بردارند، اختلافات موجود خود به خود و یا بوسیله مصلحین خیر اندیش مرتفع می شود. ولی متأسفانه چون خلق و خوی آنها تغییر پذیر نیست، و از آن جهت که لهیب آتش اختلاف را تند و تیز می کنند، آنها را به « آتش بیار » تشبیه و تمثیل می کنند. چه در ازمنه گذشته که دستگاه طرب (غنا) از نظر مذهبی بیشتر از امروز مورد بی اعتنایی بود، گناه اصلی را از آتش بیار می دانستند و مدعی بودند که اگر ضرب و دف را خشک و آماده نکند دستگاه موسیقی و غنا خود به خود از کار می افتد و موجب انحراف اخلاقی نمی شود.